

عدالت

الان می خواهیم در مورد مطلب عدالت در حیات جدید صحبت کنیم عدالت یعنی:*

من در آن رابطه ای با خدا هستم که او در قلبش دلتنگ است.*
من در شرایط و حالت صحیح هستم در مقابل خدا.

رومیان ۳۳ و ۱: ۸

۱- بنابراین، چون به عیسی مسیح تعلق داریم، هیچ محکومیت و مجازاتی در انتظار ما نیست.
۳۳- اکنون که خدا ما را برای خود برگزیده است، دیگر چه کسی جرأت خواهد کرد بر ما اتهامی وارد آورد؟
آیا خود او؟ هرگز! چون اوست که ما را بخشیده و ما را به حضور خود پذیرفته است.

رومیان ۱: ۵

۱- پس چون بوسیله ایمان به عیسی مسیح در نظر خدا پاک و بی گناه محسوب شده ایم، از رابطه مسالمت آمیزی با خدایه مند هستیم. این رابطه زمانی ایجاد شد که خداوند ما عیسی مسیح جانش را روی صلیب در راه ما فدا کرد.
در مقابل خدا در عدالت ایستادن حالتی است از آرامش بدون هیچ گونه محکومیت و هیچ نوع داوری و یا مجازات خداوند بر روی زندگی من. رابطه ام با خدا کاملاً درست است. همانند بچه ای که با امنیت می پرد بغل پدرش و محبت و گرمای پدرش را احساس میکند. من در آن رابطه ای با خدا هستم که رویای او برای من است یعنی رابطه پدر - فرزندی. و این رابطه مال من است، بدون هیچ شروط و انتظارات فعالیت‌های مذهبی برای رضایت و ارضای خدا. مارتین لوتر (Martin Luther)، کشیش کاتولیک که در قرن پانزدهم زندگی می کرد آیه ای خواند که باعث شروع رفرماسیون [نو سازی و اصلاح] (Reformation) در اروپا شد. (وقتی تو به مطالب سال دوم می رسی به مطلبی برخورد می نمایی که اسمش تاریخچه کلیسا می باشد، و ما در این مورد اساسی تر توضیح می دهیم.)

رومیان ۱۶-۱۷: ۱

۱۶- زیرا من به انجیل عیسی مسیح افتخار می کنم چون قدرت خداست برای نجات تمام کسانی که ایمان بیاورند. انجیل در ابتدا فقط به یهودیان اعلام میشد؛ اما اکنون همه می توانند با ایمان آوردن به آن به حضور خدا راه یابند.
۱۷- این پیام اینست که خدا فقط در يك صورت از سر تقصیرات ما می گذرد و به ما شایستگی آن را می دهد که به حضور او برویم؛ و آن وقتی است که به عیسی مسیح ایمان آوریم. بلی، فقط و فقط ایمان لازم است. همانطور که کتاب آسمانی میفرماید: « فقط کسی نجات پیدا می کند که به خدا ایمان داشته باشد.»

مارتین لوتر می دانست که خدا عادل است و او يك گناهکار؛ بهمین دلیل از خدا که از انسانها عدالت می خواست می ترسید. این واقعیت است. خیلی آدمها احساس او را دارند: « من، آن انسان گناهکار هستم.» ولی پیام خوش انجیل و بشارت عیسی مسیح در مورد لطف و فیض خداوند نیز هست. وقتی برای مارتین مکاشفه شد که او با ایمان و از فیض و لطف خداوند عدالت را از او دریافت کرده است، زندگی او تحول پیدا کرد. خداوند از لطف خود بما می بخشد بدون اینکه ما لیاقت عدالت او را داشته باشیم. این پیام و بشارت انجیل است. یعنی این چیزی نیست که بتوانیم برایش کار کنیم و یا بخاطر اینکه ما انسان نیکویی هستیم. حتی نه بخاطر کارهای نیکویی که ما انجام می دهیم و یا دعاهای بسیاری که ما هر روز می کنیم. نه، فیض یعنی دریافت عدالت بدون لیاقت. اگر من سزاوار و لایق آن باشم، لطف نیست بلکه فقط بخاطر لیاقت است.* (پاداش دنیوی). ما این حقیقت را می خواهیم در قلب تو تأسیس کنیم. تو امنیت پیدا می کنی در محبت خدا، نه بخاطر کاری که تو انجام می دهی بلکه برای کسی که تو هستی. تو فرزند عزیز او هستی، نجات یافته بخاطر لطف خدا و نه کارهای نیکوی تو. ما کارهای نیکو انجام می دهیم، ولی نه بخاطر اینکه شرایط بهتری در مقابل خدا داشته

باشیم بلکه بدلیل اینکه محبت خدا درون ما ساکن است و ما او را دوست داریم. بنابراین کارهای نیکو و دوست داشتنی انجام می دهیم.

اول یوحنا ۴:۱۹

۱۹- محبت ما نسبت به خدا از محبتی ناشی می شود که او اول نسبت بما داشت.

«انسان و آفرینش»

درس اول:

پیدایش ۱:۲۶

۲۶- سر انجام خدا فرمود: «انسان را شبیه خود بسازیم، تا بر حیوانات زمین و ماهیان دریا و پرندگان آسمان فرمانروایی کند.»
انسان شبیه خدا خلق شد با حق انتخاب آزاد* و نه مثل يك آدم آهنی که خدا برنامه ریزی کرد* که هر کاری دلش می خواهد بکند. اگر اینطوری بود انسان شبیه خدا نبود. این یعنی چی؟ خدا بما عقل داد. خداوند خدایی است که فکر می کند و با کلمات مکالمه می کند. او گفت و پدید آمد (آفریده شد).

پیدایش ۱:۱-۳

- ۱- در آغاز، هنگامیکه خدا آسمانها و زمین را آفرید،
- ۲- زمین، خالی و بی شکل بود، و روح خدا روی توده های تاریک بخار حرکت می کرد.
- ۳- او فرمود: «روشنایی بشود.» و روشنایی شد.

چون خدا متفکر است و صحبت می کند، انسان را نیز متفکر خلق کرد که بتواند صحبت کند و درک کند. دقیقاً مثل خدا. این اساس زندگی انتخابی ماست؛ قدرت تصمیم گیری آگاهانه. تصمیم گیری آگاهانه ای که در آن جنبه های مثبت و منفی را وزن کرده و بر اساس آن تصمیم بگیریم. انسان بدین شکل زندگی انتخابی دارد. چون انسان مسئول انتخابات خود است، بر روی حیات خویش قدرت دارد (حاکم است). نتیجه قدرت همیشه مسئولیت است. آدم جوابگوی قدرت دهنده (خدا) می شود. مثلاً پلیس که قدرت دریافت کرده است باید جوابگوی قدرت دهنده اش (دولت) باشد. خدا به انسان قدرت بر روی حیات و راه های زندگی می بخشد. یعنی انسان مسئول زندگی خود و انتخابات شخصی اش می شود.

درس دوم:

«انسان موجود اخلاقی است.»

اخلاق چیست؟ خوبی و بدی چیست؟ اگر کسی مثلاً شخص دیگری را کتک بزند و سرقت کند، آیا این درست است یا غلط؟ این سؤال اخلاقی است. خداوند آگاهی فرق بین خوبی و بدی را درون ما (در قلب ما) گذاشته است. بدین خاطر انسان با وجدان خلق شده است که فرق بین خوبی و بدی را برایمان آشکار سازد. این اختلاف بین ما و حیوانات است. اگر سگی بچه ای را گاز بگیرد، سگ را دادگاهی نمیکنند. بالعکس انسان همیشه برای اعمال خود مسئولیت اخلاقی دارد. ما به شکل و شبیه خداوند آفریده شدیم و بدین خاطر وجدان داریم. انسان دارای قطب نما و شهادت درونی (وجدان) است. بدین شکل وقتی آدم از نظر اخلاقی کار اشتباهی انجام میدهد، می داند که نباید می کرد. برای اینکه امکان انتخاب اشتباه یا درست را قویتر کند، خداوند بما ده فرمان را نیز داده است. آنها قوانین اخلاقی خداوند را خلاصه می کنند.

خروج ۲۰:۱۷-۱۸ و ۳:۴-۲۰

- ۳- تو را خدایان دیگر غیر از من نباشد.
- ۴- هیچگونه بتی به شکل حیوان یا پرنده یا ماهی برای خود درست نکن.
- ۷- از نام من که خداوند، خدای تو هستم سوء استفاده نکن. اگر نام مرا با بی احترامی بزبان بیآوری یا به آن قسم دروغ بخوری، تو را مجازات می کنم.

- ۸- روز سبت را بیاد داشته باش و آن را مقدس بدار.
- ۱۲- پدر و مادرت را احترام کن تا در سرزمینی که خداوند، خدای تو به تو خواهد بخشید، عمر طولانی داشته باشی.
- ۱۳- « قتل نکن.
- ۱۴- « زنا نکن.
- ۱۵- « دزدی نکن.
- ۱۶- « دروغ نگو.
- ۱۷- چشم طمع به مال و ناموس دیگران نداشته باش. به فکر تصاحب غلام و کنیز، گاو والاغ، واموال همسایه ات نباش.
- این ده فرمان، استاندارد اخلاقی خود خدا را نشان میدهد و نمایانگر طبیعت اوست. پروردگار بعضی از کارها را انجام نمی دهد، مثلاً دروغ گفتن.

اعداد ۱۹ : ۲۳

- ۱۹- خدا انسان نیست که دروغ بگوید و از بنی آدم نیست که به اراده خود تغییر بدهد. آیا او سخنی گفته باشد و نکند؟ یا چیزی فرموده باشد و استوار ننماید؟ چون ما به شکل خدا هستیم نباید دروغ گوئیم. دروغ اخلاق بد است. ولی امکان دروغ بر ایمان وجود دارد. چون ما حق انتخاب آزاد داریم. تمام قوانین اخلاقی بدین شکل ترتیب یافته است. عیسی این را با زندگی خود واضحاً نشان داد. او کاملاً بر اساس این قوانین زندگی می کرد* چون شبیه خدا بود.

درس سوّم:

« گناه چیست؟ »

اول یوحنا ۴ : ۳

- ۴- هر که گناه میکند، احکام خدا را می شکند، زیرا گناه چیزی نیست جز شکستن احکام خدا و رفتار کردن بر خلاف خواست او.

گناه یعنی قوانین اخلاقی خدا را زیر پا گذاردن. در این حالت انسان به چشم خدا خلافکار و مجرم بحساب می آید. گناهکار یعنی کسی که جرمی بر علیه خدا انجام داده است. انسان در آن حالت بدهکاری گناه پیدا می کند، بدهکاری اخلاقی که روح آدم را سنگین می کند. در عمق درونی انسان (قلب) احساس می کند که اشتباه کرده. احساسی که ازش نمی شود فرار کرد.

« پا داش گناه مرگ است.»

رومیان ۲۳ : ۶

- ۲۳- زیرا هر که گناه کند، تنها دستمزدی که خواهد یافت، مرگ است؛ اما هر که به خداوند ما عیسی مسیح ایمان آورد، پاداش او از خدا زندگی جاوید است.

چرا؟ بدین برمی گردد که شریعت (قوانین اخلاقی) شکل طبیعت خداوند است. هر بار که من گناه میکنم، بر خلاف ذات و طبیعت خداوند رفتار می کنم. من کاری انجام می دهم که او هرگز انجام نمیدهد. بدین صورت بر علیه خود خدا قدم بر می دارم. بدین دلیل انسان گمشده در گناهان خود است و توانایی این را ندارد که به خود کمک کند. هیچ راه بازگشتی وجود ندارد. ولی بخاطر اینکه خدا نه فقط مقدس و عادل است بلکه پر از لطف، بخشش و محبت است؛ برای ما راهایی (نجات) وجود دارد.

یوحنا ۱۸-۱۶ : ۳

- ۱۶- زیرا خدا بقدری مردم جهان را دوست دارد که یگانه فرزند خود را فرستاده است، تا هر که به او ایمان آورد، هلاک نشود بلکه زندگی جاوید بیابد.
- ۱۷- خدا فرزند خود را فرستاده است نه برای اینکه مردم را محکوم کند بلکه بوسیله او نجاتشان دهد.
- ۱۸- کسانی که به او ایمان بیاورند، هیچ نوع محکومیت و هلاکتی در انتظارشان نیست؛ ولی کسانی که به او

ایمان نیاورند، از هم اکنون محکوم اند، چون به یگانه فرزند خدا ایمان نیاورده اند.

عیسی در دنیا بی گناه زندگی می کرد. او همانند من و تو انسان بود ولی بی گناه. او جای ما را گرفت وقتی خود را کاملاً با ما شناسایی کرد. او مسئول گناهان ما شد بطوریکه انگار خودش مرتکب آنها شده بود. او گناهان ما را بدوش خودش حمل کرد. بعد از آن کاری کرد که من و تو از همه چیز بیشتر وحشت داشتیم. او با گناهان ما در مقابل دادگاه خداوند قرار گرفت. او معرف و نماینده گناهان ما شد. او برای گناهان ما محکوم شد. بخاطر گناهان ما او بجای من و تو مُرد.

اشعیا ۱۰:۳-۵۳

۳- ما او را خوار شمردیم و رد کردیم، اما او درد و غم را تحمل کرد. همه ما از او رو برگردانیدیم. او خوار شد و ما هیچ اهمیت ندادیم.
۴- این دردهای ما بود که او به جان گرفته بود، این رنجهای ما بود که او بر خود حمل می کرد؛ اما ما گمان کردیم این درد و رنج مجازاتی است که خدا بر او فرستاده است.
۵- برای گناهان ما بود که او مجروح شد و برای شرارت ما بود که او را زدند. او تنبیه شد تا ما سلامتی کامل داشته باشیم. از زخمهای او ما شفا یافتیم.
۶- ما همچون گوسفندانی که آواره شده باشند، گمراه شده بودیم؛ باوجود این، خداوند تقصیرها و گناهان همه ما را به حساب او گذاشت!
۷- با او با بی رحمی رفتار کردند، اما او تحمل کرد و زبان به شکایت نگشود. او را مانند بره به گشتارگاه بردند؛ و او همچون گوسفندی که نزد پشم برنده اش بی زبان است، خاموش ایستاد و سخنی نگفت.
۸- به ناحق او را به مرگ محکوم کرده، کشتند و مردم نفهمیدند که او برای گناهان آنها بود که کشته می شد. بلی، او بجای مردم مجازات شد.
۹- هنگامیکه خواستند او را همراه خطاکاران دفن کنند، او را در قبر مردی ثروتمند گذاشتند؛ اما هیچ خطایی از او سر نزده بود و هیچ حرف نادرستی از دهانش بیرون نیامده بود.
۱۰- خداوند می فرماید: «این خواست من بود که او رنج بکشد و بمیرد. او جانش را قربانی کرد تا آمرزش گناهان به ارمغان آورد، بنابراین حساب فرزندان بی شمار خواهد شد. او زندگی را از سر خواهد گرفت و اراده من بدست او اجرا خواهد شد.

(اشعیا تقریباً ۷۰۰ سال قبل از اینکه عیسی مصلوب شود، در این مورد نبوت مرد. عیسی مرد چون گناهان ما بدوش او گذاشته شده بود. ولی او در روز سوم زنده شد. در اینجا رهایی و آزادی ما آمد یعنی عدالت ما.

رومیان ۲:۲۵

۲۵- عیسی مسیح بخاطر گناهان ما تسلیم مرگ گردید و دوباره زنده شد تا ما در پیشگاه خدا «بی گناه» به حساب آییم.
ما عادل شدیم چون او گناهان ما را از بین برد. الآن آن مانع (گناه) که بین ما و خدا بود دیگر وجود ندارد. گناه از طریق خون عیسی نابود شد و ما آزادیم. دیگر هیچ نوع مجازات و داوری وجود ندارد بلکه ما با لطف خدا آزاد شدیم.
حکمی که بر ضد ما بود پاره شده و ریز ریز شد و دیگر وجود ندارد.

کولسیان ۱۵:۱۳-۲

۱۳- زمانی شما در گناهان خود مرده بودید، و هوسهای گناه آلود بروجودتان مسلط بود. اما خدا شما را در حیات مسیح سهیم گرداند، زیرا همه گناهانتان را آمرزید،
۱۴- و سند محکومیت شما را که حاکی از نا اطاعتی شما بود، از میان برد. خدا نامه اعمالتان را بر صلیب مسیح میخکوب کرد و همه گناهانتان را به حساب او گذاشت.
۱۵- به این ترتیب، قدرت شیطان را که شما را به گناه متهم می ساخت، در هم شکست. خدا به تمام مردم دنیا به روشنی نشان داد که مسیح بر روی صلیب بر شیطان چیره شده است، و شما هم بوسیله او، از تمام گناهان خود پاک شده اید.

۲۰- پس ملاحظه می کنید که با اجرای شریعت، کسی هرگز نمی تواند رضایت خدا را حاصل کند. در واقع هر چه بیشتر شریعت را بدانیم، بیشتر پی میبریم که آنرا زیر پا گذارده ایم. شریعت فقط چشمان ما را باز می کند تا گناهان خود را ببینیم.

۲۱ و ۲۲- اما اکنون خدا راه دیگری برای نجات بمان نشان داده است. ما تا بحال سعی می کردیم با اجرای مقررات و تشریفات مذهبی، به این نجات و رستگاری دست یابیم و در حضور خدا پاک و بی گناه شمرده شویم. اما در این راه نوین، دیگر چنین نیست، هر چند که این راه، چندان هم تازه نیست، زیرا کتاب آسمانی ما از زمانهای گذشته نوید آن را داده بود. اینک خدا چنین مقرر داشته که اگر کسی به مسیح ایمان بیاورد، از سر تقصیرات او بگذرد و او را کاملاً «بی گناه» بحساب آورد. همه انسانها نیز بدون توجه به مقام و یا سوابقشان، می توانند از همین راه، یعنی «ایمان به عیسی مسیح» نجات پیدا کنند.

۲۳- زیرا همه گناه کرده اند و هیچکس به آن کمال مطلوب و پر جلالی که خدا انتظار دارد، نرسیده است.

۲۴- اما اکنون اگر به عیسی مسیح ایمان آوریم، خدا ما را کاملاً «بی گناه» به حساب می آورد، چون عیسی مسیح به لطف خود بطور رایگان گناهان ما را برداشته است.

۲۵- خدا عیسی مسیح را فرستاد تا مجازات گناهان ما را متحمل شود و خشم و غضب خدا را از ما بر گرداند. خدا خون مسیح و ایمان ما را وسیله ای ساخت برای نجات ما از غضب خود. به این ترتیب او عدالت خود را ظاهر نمود. اگر او کسانی را که در زمانهای گذشته گناه کرده بودند مجازات نکرد، این هم کاملاً عادلانه بود، زیرا او منتظر زمانی بود که مسیح بیاید و گناهان آنان را نیز پاک سازد.

۲۶- در زمان حاضر نیز خدا از همین راه گناهکاران را به حضور خود می پذیرد، زیرا عیسی مسیح گناهان ایشان را برداشته است.

اما آیا این بی انصافی نیست که خدا گناهکاران را بی گناه بشمارد؟ نه، زیرا خدا این کار را بر اساس ایمانشان به مسیح انجام می دهد، یعنی ایمان به کسی که با خون خود گناهانشان را پاک کرده است.

۲۷- آیا حالا دیگر کسی می تواند به خود ببالد و تصور کند که با پرهیز گاری و اعمال نیک خود، نجات یافته و مقبول خدا گشته است؟ هرگز! چرا؟ زیرا نجات، نه از کارهای نیک ما و انجام تشریفات مذهبی، بلکه از کارهایی که عیسی مسیح برای ما انجام داد و از ایمانی که ما به او داریم، بدست می آید.

۲۸- پس ما بوسیله ایمان به عیسی مسیح نجات پیدا می کنیم و در حضور خدا بی گناه به حساب می آییم، نه بسبب کارهای خوب خود یا انجام تشریفات مذهبی.

همه ما گمشده بودیم و در شرایط نا امیدانه ای زندگی می کردیم. ولی از طریق ایمان و با لطف خدا بخشش گناهان دریافت می کنیم و موقعیت صحیح را نزد خدا بدست می آوریم. وقتی گناهانمان بخشیده می شود، عدالت را از خدا می پذیریم، همزمان عیسی مسیح را هم بعنوان خداوندمان می پذیریم. این مورد بسیار عظیمی است.

من در مقابل خدا حق دارم.

من احتیاجی به فعالیت های مذهبی ندارم که خدا را خشنود سازم.

من فرزند او هستم و خدا پدر من است.

پدر به پسرش نمی گوید: «تو پسر من نیستی اگر این کار و آن کار را برای من انجام ندهی.» از نظر قانونی آدم پسر است چون از پدر و مادرش بدنیا آمده است. اگر ما این حقیقت را درک کنیم که ما در مقابل خداوند میتوانیم عادل زندگی کنیم، لطف و فیض الهی روی زندگی ما جریان خواهد داشت. «احساس محکومیت نداریم.»

رومیان ۱: ۸

۱- بنابراین، چون به عیسی مسیح تعلق داریم، هیچ محکومیت و مجازاتی در انتظار ما نیست. «متهم به هیچ چیز نیستیم.»

رومیان ۳: ۳۳

۳۳- اکنون که خدا ما را برای خود بر گزیده است، دیگر چه کسی جرأت خواهد کرد بر ما اتهامی وارد آورد؟ آیا خود او؟ هرگز! چون اوست که ما را بخشیده و ما را به حضور خود پذیرفته است. «باخدا آرامش داریم.»

رومیان ۱: ۵

۱- پس چون بوسیله ایمان به عیسی مسیح در نظر خدا پاک و بی گناه محسوب شده ایم، از رابطه مسالمت آمیزی با خدا بهره مند هستیم. این رابطه زمانی ایجاد شد که خداوند ما عیسی مسیح جاننش را روی صلیب در راه ما فدا کرد.

موقعیت صحیح در نزد خداوند یعنی من موقعیتی را بدست می آورم که خدا می خواهد که من دارا باشم.

* من همان هستم که پدر آسمانی تصور کرده است.

* من دارای آنچه پدر آسمانی تصور کرده است هستم.

* من توانای تمام کارهایی که پدر آسمانی تصور کرده است هستم.

درس چهارم:

« ایمان تنها راه پذیرفتن عدالت برای ماست.»

رومیان ۵: ۴-۴

۵و ۴- اما آیا اعمال نیک ابراهیم در نجات او هیچگونه تأثیری نداشت؟ نه! به این دلیل که نجات ورستگاری، هدیه خداوند است. اگر کسی می توانست نجات و آمرزش گناهان خود را با انجام کارهای خوب بدست آورد، نجات هدیه نمی بود. اما نجات هدیه خداوند است و به کسانی عطا می شود که برای بدست آوردن آن، به اعمال نیک خود تکیه نمی کنند. بلی، خدا در صورتی گناهکاران را بی گناه به حساب می آورد که به عیسی مسیح ایمان بیاورند.

ایمان تنها کفالتی است که من از آن طریق فیض عدالت را می پذیرم. اگر چیزی را به ایمان اضافه کنی می شود اعمال مذهبی، مثلاً ایمان + روزه یا ایمان + اعمال نیکو تمام برکات خدا از طریق ایمان و با لطف پروردگار دریافت می شوند. هیچ راهی برای بدست آوردن آنها وجود ندارد.

رومیان ۵: ۱-۵

۲و ۱- حال ببینیم خدا جدّ ما ابراهیم را بر چه اساسی بی گناه بحساب آورد، آیا بخاطر اعمال نیک او و انجام تشریفات مذهبی بود، یا بخاطر ایمانش؟ اگر بخاطر اعمال نیکش بود، پس جا داشت که به خود بیبالد اما از دیدگاه خدا ابراهیم هیچ علتی برای بالیدن نداشت.

۳- زیرا کتاب آسمانی ما میفرماید: « ابراهیم به خدا ایمان آورد، به همین دلیل خدا از خطایای او چشم پوشید و او را « بی گناه » به شمار آورد.»

۵و ۴- اما آیا اعمال نیک ابراهیم در نجات او هیچگونه تأثیری نداشت؟ نه! به این دلیل که نجات و رستگاری هدیه خداوند است. اگر کسی می توانست نجات و آمرزش گناهان خود را با انجام کارهای خوب بدست آورد، نجات هدیه نمی بود. اما نجات هدیه خداوند است و به کسانی عطا می شود که برای بدست آوردن آن، به اعمال نیک خود تکیه نمی کنند. بلی، خدا در صورتی گناهکاران را بی گناه بحساب می آورد که به عیسی مسیح ایمان بیاورند.

البته خداوند می خواهد که ما اعمال نیکو انجام دهیم ولی از طریق آنها ما عادل نمی شویم.

رومیان ۱۰: ۹-۱۰

۹- در واقع اگر انسان با زبان خود نزد دیگران اقرار کند که عیسی مسیح خداوند اوست و در قلب خود نیز ایمان داشته باشد که خدا او را پس از مرگ زنده کرد، نجات خواهد یافت.

۱۰- زیرا بوسیله ایمان قلبی است که شخص رضایت خدا را حاصل می کند؛ و بعد هنگامی که در برابر دیگران ایمان خود را به زبان می آورد، نجات خود را تأیید می نماید.

اگر می خواهی می توانی این سئوالها را جواب بدهی و برای ما پست الکترونیکی (E mail) کنی. ما بعد امتحان راضیح می کنیم و با خبرت می کنیم که نتیجه ات چطور بود. تو بعد از اینکه تمام مطالب مدرسه انجیل را با نتیجه خوب (حداقل ۸۰٪ درست) گذراندی، از ما یک مدرک دریافت می کنی که دوره اول را گذرانده ای و از عهده تمام امتحانات برآمدی.

برکات غنی آسمانی با تو. کشیش و دوست

امتحان
(عدالت)

۱- کلمه عدالت یعنی: « من انسان نیکویی هستم و اعمال مذهبی انجام می دهم که موقعیتم نزد خدا خوب باشد

بله

خیر

۲- من اگر در قلبم ایمان داشته باشم که عیسی مسیح برای من مُرد و زنده شد؛ با فیض الهی موقعیت صحیح را نزد خدا بدست می آورم یعنی عدالت خدا.

بله

خیر

۳- برای موقعیت صحیح نزد خدا و آرامش و هم آهنگی، من باید ایمان + اعمال مذهبی داشته باشم مثل دعا، روزه، کمک به فقیران.

بله

خیر

۴- ما اعمال نیکو انجام میدهم ولی نه برای موقعیت خوب بدست آوردن نزد خدا، بلکه چون محبت خدا در ما ساکن است و ما او را دوست داریم.

بله

خیر

۵- خداوند نمیتواند دروغ بگوید یا قول بدهد و بعد به قولش عمل نکند.

درست

اشتباه